

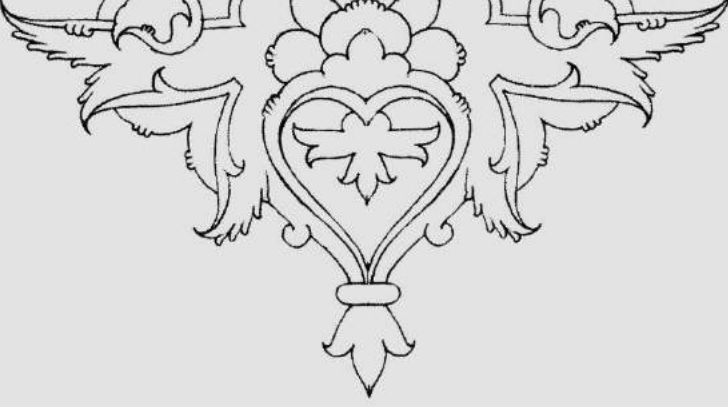
ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش متدین

سال دوم، شماره ۱۶، دی ۱۳۹۸



شهداد سردار اسلام شهید قاسم سلیمانی بیک سرباز بیاد



السلامة

دانش سلامت

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال دوم، شماره ۱۶، دی ۱۳۹۸



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir

۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶

سخن آغازین

۴..... ستایش و تعظیم خداوند

سلامت در قرآن

۵..... مهم‌ترین اصول در مراجعه به قرآن

سلامت در احادیث

۶..... فیض کاشانی و کتاب الوافی
هادی حجت

فقه سلامت

۸..... احکام فقهی انواع الکل، بخش دوم
محمد مهري ليقوان

اخلاق سلامت

۱۱..... سقوط به دنبال افشای راز
محسن رضایی آدریانی

۱۲..... تحلیل اخلاقی-حقوقی موارد (بی‌مبالاتی)
احمد مشکوری

فلسفه سلامت

۱۳..... علیت در پزشکی
صادق یوسفی

۱۴..... سلامت معنوی در سایه معماری ایرانی-اسلامی
خشايار قاضي زاده- سيدماجد موسوي شفيع

معرفی کتاب

۱۶..... مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن

زلال سلامت

۱۷..... هر چه خدا خواست همان می‌شود





راهنمای نویسندگان

تهیه و ارسال شوند.

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون‌متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به‌عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ بازیابی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه

بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسؤول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات

داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط

اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir

نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی



ستایش و تعظیم خداوند

سپاس خدای را که حق ستایشش بالاتر از حد ستایشگران است و نعمت‌هایش فراتر از اندیشه شمارشگران، حق جویان کوشا از ادای حقش ناتوان‌اند و همت دورپرواز آدمیان از درک و احاطه به مقام شامخ نارسا و حوزه‌های ربوبی‌اش از نفوذ هشیاری هشیاران به دور.

صفات ذات پاکش به مقیاسات و حدود برنیاید و هیچ ترسیم و تصویری مشخص نسازد، اوصاف جلال و جمالش فراسوی زمان است و ماورای برهه‌های معدود و مدت‌های محدود.

با قدرت متعالی‌اش هستی به مخلوقات بخشید و بادهای جان‌فزا به رحمتش وزیدن گرفت و حرکات مضطرب زمین را با نصب کوه‌های سر برافراشته تعدیل کرد.

آغاز و اساس دین «معرفت خدا» است و کمال معرفت او «تصدیقش»، غایت تصدیق او «توحیدش»، حد اعلای توحید او «اخلاص به مقام کبریایی‌اش» و نهایت اخلاص به او «نفی صفات از ذات اقدسش»، چون هر صفتی به دوگانگی با موصوفش گواه است و هر موصوفی به مغایرت با صفتش شاهد گویا.

آن‌کس که خداوند سبحان را توصیف کند، همسان برای ذات بی‌همتایش سازد و دوئی در یگانگی‌اش درآورد و مقام والای احدیت را تجزیه نماید، پندار تجزیه در وحدت ذاتش نشان نادانی است که خدا را قابل اشاره انگارد و با آن اشاره محدودش سازد و چون معدودها به شمارشش درآورد.

کسی که بپرسد: خدا در چیست؟ خدا را در آن گنجانیده و اگر خدای را روی چیزی توهم کند، آن را خالی از خدا پنداشته است، هستی او را هیچ رویدادی سبقت نگرفته و نیستی بر هستی‌اش تقدم نداشته است.

او با همه موجودات است، بدون پیوستگی و غیر از همه موجودات است، بدون دوری و گسیختگی، اوست سازنده همه کائنات، بی‌نیاز از آنکه خود حرکتی کند و ابزاری را وسیله کار خود نماید، اوست بینای مطلق، بی‌احتیاج به دیدگاهی از مخلوقاتش، یگانه خداوندی که نیازی به دمساز ندارد تا از جدایی‌اش وحشتی بر او عارض گردد.

سلامت در قرآن

مهم‌ترین اصول در مراجعه به قرآن

مهم‌ترین اصل در مراجعه به قرآن: «قرآن، کلام خدا یعنی کلام ربّ، مالک و اله عالم است که بر قلب نازنین بهترین شخصیت عالم نازل شده و بدون هیچ کم و کاستی در اختیار انسان قرار داده شده است؛ در واقع با نزول قرآن تمام اسرار عالم به انسان انتقال یافته است.»

هرکس به منظور استفاده و بهره‌مندی از هر منبعی، نخست نیاز است از اهمیت و ضرورت مراجعه خویش به آن منبع آگاه شود هرچه این آگاهی ژرف‌تر و موثکافانه‌تر باشد، مراجعه او نیز از ژرفای بیشتری برخوردار خواهد بود روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) ما را از اهمیت رجوع به قرآن آگاه ساخته و ضرورت مراجعه به کلام الهی و وحی را یادآوری می‌کنند بر این اساس، علم و یقین به اصول استخراج شده زیر در رجوع به قرآن ضروری به نظر می‌رسد

مهم‌ترین اصل که توجه به آن در مراجعه به قرآن ضروری است فهم این مطلب است: «قرآن، کلام خدا یعنی کلام ربّ، مالک و اله عالم است که بر قلب نازنین بهترین شخصیت عالم نازل شده و بدون هیچ کم و کاستی در اختیار انسان قرار داده شده است؛ در واقع با نزول قرآن تمام اسرار عالم به انسان انتقال یافته است.»

دیگر اصول مراجعه به قرآن را که به نوعی به این اصل فراگیر برمی‌گردد، می‌توان از متون روایی به دست آورد. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

اصل اول

قرآن به عنوان مهم‌ترین رافع نیاز انسان، بخششی منحصر به فرد برای اوست. هیچ چیز به اندازه قرآن نمی‌تواند نیازی را از انسان برطرف کند.

اصل دوم

درجات انسان در دنیا و آخرت به فهم معانی آیات قرآن وابسته است؛ از این روی هر چه انسان با این مفاهیم انس بیشتری داشته باشد از رفعت، شکوه و جایگاه والاتری نزد خداوند (در دنیا و آخرت) برخوردار است.

اصل سوم

قرآن برای کسی که آن را یاد گرفته، همراه و معلمی همیشگی است و چنین شخصی را به درجات عالی رهنمون می‌سازد. شرط این تعلیم و ترفیع، تمسک به مضامین آن است.

اصل چهارم

انسان با قرآن می‌تواند توفیق دستیابی به درجاتی از نبوت را داشته باشد.

اصل پنجم

کسی که قرآن می‌خواند گویی تمام کتب پیامبران گذشته را خوانده است.

اصل ششم

قرآن برای کسی که از آن بهره ببرد، منبع نور، هدایت و علم است.

اصل هفتم

سزاوار است تا پایان عمر به یاد دادن و یاد گرفتن قرآن اهتمام داشت.

اصل هشتم

قرآن سبب فعال شدن تفکر راستین و حیات‌بخش است.

اصل نهم

قرائت قرآن جلا دهنده قلب است.

اصل دهم

کسی که قرآن می‌خواند به گنج‌های بی‌نهایت دست می‌یابد.

اصل یازدهم

خواندن قرآن نجات‌دهنده از مهلکه‌هاست.

اصل دوازدهم

همراهی با قرآن، ایمنی دهنده از ترس‌های دنیوی است.

اصل سیزدهم

با مراجعه به قرآن می‌توان به اخبار همه هستی و آنچه مورد نیاز انسان است، دست یافت.

اصل چهاردهم

کسی که قرآن می‌خواند از ویژگی‌های قرآن بهره‌مند می‌شود.

منبع: اخوت، احمد رضا (۱۳۹۲). مقدمات تدبیر در قرآن. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (علیهم‌السلام)

فیض کاشانی و کتاب الوافی

دکتر هادی حجت
دانشگاه قرآن و حدیث
hojjat.h@qhu.ac.ir

پس از درگذشت شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ ق)، حدیث شیعه دچار رکودی شد که از سده ششم تا آغاز سده یازدهم و پیدایش محمدون ثلاث دوم ادامه داشت؛ از این رو این پنج سده را می‌توان «دوران فترت» یا دوران رکود حدیث شیعه نامید. در این مقطع، تنها شاهد شماری تک‌نگاری‌های حدیثی در زمینه‌های گوناگون هستیم؛ ولی هیچ جامع حدیثی گردآوری نشد. از آنجا که کتب چهارگانه، هیچ‌یک به‌تنهایی دانشمندان را از مراجعه به دیگر کتاب‌های حدیثی بی‌نیاز نمی‌کرد، از سده یازدهم به بعد، در روزگار حاکمان صفوی و با رشد و گسترش تشیع در ایران، کوشش‌های نوینی برای احیای دوباره فعالیت‌های حدیثی و گردآوری کتاب‌هایی جامع‌تر با چینش‌هایی متفاوت آغاز شد. کتاب‌های «الوافی»، «وسائل‌الشیعه» و «بحارالانوار» سه جامع حدیثی متأخر شیعه به‌شمار می‌روند که در این دوره سامان یافتند و در ادامه به معرفی اجمالی این آثار می‌پردازیم. این شماره به معرفی کتاب الوافی و نویسنده آن، فیض کاشانی اختصاص دارد:

فیض کاشانی

محمد بن مرتضی، مشهور به «ملا محسن فیض کاشانی» در سال ۱۰۰۷ هجری قمری در کاشان متولد شد. پدرش شاه مرتضی، مردی فقیه، متکلم، مفسر و ادیب بود. مقدمات علوم دینی را در کاشان، نزد عمو و دایی‌اش فراگرفت و در بیست سالگی همراه با برادرش عبدالغفور، برای ادامه تحصیل به سوی اصفهان (که پایتخت و مرکز عالمان آن عصر بود) رهسپار شد. وی همچنین در طی سفری به شیراز، به مدت دو سال، نزد سیدماجد بحرانی (م ۱۰۲۸ هـ ق) به فراگیری دانش حدیث پرداخت و از وی اجازه نقل روایت گرفت. وی دوباره به اصفهان بازگشت و از پیشگاه درس شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ هـ ق) بهره‌مند گردید. در دوران ریاضت ملاصدرا در کهنک قم، به همراه ملا عبدالرزاق لاهیجی، مدت هشت سال، از محضر ایشان بهره برد. ملاصدرا آن دو را به دامادی برگزید و القاب «فیض» و

«فیاض» را بر آن‌ها نهاد. با بازگشت ملاصدرا به شیراز، فیض نیز به همراه استاد، دوباره به شیراز سفر کرد و حدوداً دو سال در آنجا ماند. سپس به کاشان بازگشت و به تدریس، تبلیغ و تألیف مشغول شد. وی همچنین در ادبیات فارسی، صاحب ذوق و قریحه است و اشعار زیبای فارسی او گواه این گفتار است. وی در حدیث، به شیوه اخباری‌ها عمل کرده و این شیوه، او را به رویارویی با اصولیان کشانده است. مخالفانش او را به داشتن باورهای صوفیانه متهم می‌کردند (صوفیه باورهای ویژه‌ای داشتند و به ظواهر شرع پایبند نبودند). این اتهام پوچ است؛ چراکه منش و آثار مرحوم فیض کاشانی نشان می‌دهد که وی عارفی عالی‌مقام، محدثی زبردست و مسلمانی متعهد و پرهیزکار بوده است.

از ویژگی‌های علمی فیض کاشانی، درهم نیامیختن دانش‌های گوناگون است. او با وجودی که استاد دانش‌هایی چون فلسفه، عرفان و حدیث است، ولی در کتب تفسیر وارد بحث‌های فلسفی نمی‌شود؛ چنان‌که در کتب حدیثی خود نیز محدث محض است و به شیوه آنان به شرح و ارزیابی احادیث پرداخته و از تأویلات عرفانی دوری کرده است.

فیض کاشانی دارای تألیفات بسیاری در دانش‌های گوناگون است. برخی از پژوهشگران، فهرستی بالغ بر یکصد و چهل کتاب و رساله از وی را گردآورده‌اند. در تفسیر قرآن، کتاب تفسیر «صافی» و «أصفی» را نوشته است. در حدیث، کتاب‌های «الوافی» (مجموع روایات کتب چهارگانه)، «الشافی» (خلاصه الوافی با حذف اسناد و روایات متعارض) و «نوادرالاکهار» (احادیث غیر مذکور در کتب چهارگانه) را تألیف کرده است. در عقاید و معارف، کتب «عین‌الیقین» و «اصول‌المعارف» و در اخلاق، «مهجه‌البیضاء» را به نگارش درآورده است.

سرانجام، فیض کاشانی پس از ۸۴ سال عمر پربرت، در سال ۱۰۹۱ هجری، در زادگاهش کاشان، چشم از جهان فرو بست.

کتاب الوافی

مرحوم فیض کاشانی کتاب خود را الوافی نامیده است و در این باره می‌نویسد: «سمّیته بالوافی لوقائه بالمهّمات و کشف المبهمات»؛ یعنی این کتاب را از آن جهت الوافی نامیدم که تمام مباحث مهم را در بردارد و از مطالب مبهم، پرده برمی‌دارد.

عنوان یکی از بهترین شروح بر احادیث کتب چهارگانه نیز به شمار آید.

۳. کنار هم جا گرفتن روایات مرتبط با یک موضوع از کتب چهارگانه.

۴. مشخص کردن اختلافات عمده سندی یا متنی بین کتب چهارگانه.

۵. بیان جمع و تأویل احادیث متعارض که در برخی موارد با وجه جمع‌های شیخ طوسی متفاوت است.

۶. ذکر آیات قرآنی متناسب با موضوع در آغاز هر بخش.

۷. اهتمام اصلی فیض کاشانی نسبت به کتاب الکافی. وی معمولاً عناوین کتاب الکافی را نقل کرده است؛ بدین صورت که نخست، همه احادیث این کتاب را نقل می‌کند و سپس در ادامه به تهذیب‌الاحکام و من لایحضره الفقیه می‌پردازد.

علل کم‌توجهی به کتاب الوافی

باوجود همه برتری‌هایی که در کتاب الوافی بوده، این کتاب با استقبال چندانی از سوی فقیهان روبرو نشده است. در این باره می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

۱. بسنده کردن مرحوم فیض به کتب چهارگانه و گردآوری نکردن روایات از دیگر کتب حدیثی.

۲. گردآوری کتاب وسائل‌الشیعه با فاصله اندکی پس از الوافی و استقبال فقیهان از این کتاب.

۳. رعایت نکردن ترتیب رایج و متعارف کتاب‌های فقهی شیعه.

۴. به‌کارگیری رموز و نشانه‌های اختصاری خاص (اختصارهای غیرمتعارف).

با توجه به برتری‌های بسیار کتاب الوافی، به‌ویژه شروح و توضیحات ارزشمند آن، شایسته است فقیهان و پژوهشگران امروزی، با آگاهی بیشتری به این کتاب ارزشمند مراجعه کنند و در احیای بیش‌ازپیش آن بکوشند.

منابع:

دانش حدیث، به قلم مدرسان دانشگاه قرآن و حدیث (۱۳۹۵). نشر جمال، ص ۲۳۸-۲۴۲.

وی در مقدمه کتاب، انگیزه خود از تألیف را مشاهده کاستی‌های موجود در کتب چهارگانه بیان کرده است. این کاستی‌ها از دید فیض عبارت‌اند از:

۱. کامل نبودن هریک از کتب چهارگانه به‌تنهایی؛ مثلاً کتب کافی و فقیه، دربردارنده روایات متعارض نیستند؛ چنان‌که تهذیبین و فقیه نیز فاقد روایات اصول هستند.

۲. دشوار بودن مراجعه به آن‌ها به علت اختلاف عناوین ابواب هریک از کتاب‌ها؛ عناوینی که نویسندگان این کتاب‌ها برای باب‌بندی روایات استفاده کرده‌اند، یکسان نیست و این امر مراجعه به این کتاب‌ها را دشوار ساخته است.

۳. پراکندگی روایات هم‌مضمون؛ روایات مرتبط و هم‌مضمون بسیاری در هریک از این چهار کتاب وجود دارد که در لابه‌لای ابواب این کتاب‌ها به‌صورت پراکنده ذکر شده است.

۴. وجود روایات تکراری در کتب چهارگانه؛ روایاتی که در کتب چهارگانه عیناً یا با اندکی تفاوت تکرار شده است.

الوافی دارای سه مقدمه، چهارده جزء و یک خاتمه (شامل مشیخه فقیه و تهذیبین) است. فیض کاشانی آن‌گونه که خود تصریح کرده است، در سال ۱۰۶۸ قمری و پس از نه سال و یک ماه کوشش، تألیف و تنظیم این مجموعه عظیم را به پایان رسانده است.

ویژگی‌های کتاب الوافی

برخی از ویژگی‌ها و برتری‌های آن عبارت‌اند از:

۱. دربردارنده همه احادیث کتب چهارگانه با حذف روایات تکراری آن‌ها است. کتاب الوافی بر پایه شمارشی که در چاپ نوین آن انجام گرفته است، دربردارنده ۲۵۷۰۳ حدیث است. این عدد می‌تواند، نشان‌دهنده تعداد تقریبی روایات کتب چهارگانه با حذف مکررات آن‌ها نیز باشد.

۲. توضیح و شرح مختصر بسیاری از روایات با عنوان «بیان» بی‌شک توضیحات عالمانه و ارزشمند فیض کاشانی در ذیل روایات، یکی از بارزترین برتری‌های الوافی نسبت به دیگر جوامع حدیثی است؛ امری که موجب شده است الوافی، به

چند حدیث از الوافی (باب اطعمه و اشربه)

امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه‌که سفره نهار و شام گسترده می‌شود، بسم‌الله بگو؛ همانا شیطان به اصحابش می‌گوید که خارج شوید، در اینجا برای ما غذا و قرارگاهی نیست و اگر فراموش کند که بسم‌الله بگوید، به اصحابش می‌گوید بیایید که اینجا غذا و محل استقرار فراهم است (الوافی، ج ۲۰، ص: ۴۷۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه برای غذا دست را شستی آن را با دستمال خشک نکن، چون تا زمانی که دستانت مرطوب باشد، در غذا برکت است (الوافی، ج ۲۰، ص ۴۷۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: تَرَنج را پس از غذا بخورید؛ چراکه خاندان محمد صلی الله علیه و آله چنین می‌کنند (الوافی، ج ۱۹، ص ۴۰۸).

احکام فقهی انواع الکل بخش دوم

محمد مهری لیقوان

دانشکده سلامت و دین - دانشگاه علوم پزشکی قم

mmehrilighvan@gmail.com

انواع ادکلن هایی که از خارج وارد می شوند، استفاده می کنند. آیا به افراد آگاه یا جاهل به مسئله، اجازه خرید و فروش و کاربردهای دیگر آن ها را می دهید؟

آیت الله خامنه ای علیه السلام: الکل هایی که در اصل روشن نیست از گونه های مایعات مست کننده باشند، محکوم به طهارت هستند و خرید و فروش و به کارگیری مابعاتی که با آن ها آمیخته شده اند اشکال ندارد (۲).

پرسش: دارویی بنا به دستور پزشک به چهره ام می زنم که دارای الکل است؛ ولی با دارویی دیگر آمیخته شده که قابل خوردن نیست، آیا این دارو نجس است؟

آیت الله خامنه ای علیه السلام: اگر می دانید الکلی که در آن دارو به کار رفته از نوع خوراکی و در اصل مایع و مستی آور بوده، بنابر احتیاط آن دارو نجس است و اگر نمی دانید، پاک است (۲).

پرسش: کاربرد داروهایی که در آن ها، اندکی الکل مخلوط شده است (برای نمونه ده درصد) جایز است؟

آیت الله سیستانی علیه السلام: جایز نیست؛ ولی می توانید آن را با آب رقیق کنید، به اندازه ای که نسبت الکل به دو درصد یا کمتر برسد که در این صورت خوردنش مانعی ندارد (۳).

احکام استفاده از ماء الشعیر

آیت الله خامنه ای علیه السلام: فقع که از جو گرفته می شود و به آن آبجو می گویند، نجس است؛ ولی آبی که به دستور پزشک از جو می گیرند و به آن ماء الشعیر می گویند، پاک است (۲).

پرسش: آیا استفاده از ماء الشعیر شرعاً جایز است؟ (با توجه به اینکه این گونه ماء الشعیر به وسیله کارخانه های ایرانی تولید می گردد.)

آیت الله سیستانی علیه السلام: نوشیدنی ای که از جو گرفته می شود و به آن فقع می گویند، بی گمان حرام است و به احتیاط واجب نجس است و این نوشیدنی اغلب سبب مستی نمی شود؛ بلکه موجب نشئه است که می توان آن را مستی خفیف نامید و گویا منشأ آن پایین بودن نسبت الکل است، پس اگر نوشیدنی مورد پرسش از آغاز بدون الکل ساخته می شود که به آن فقع گفته

در شماره پیشین نشریه، در مورد پاکی و نجاست گونه های الکل مطالبی گفته شد و آشکار گردید که دیدگاه برخی از علما بر نجاست الکل بوده و همگی بر طهارت الکل های پزشکی و سنتی فتوا داده اند؛ همچنین الکل پزشکی و صنعتی ماده ای مسموم کننده بوده و حالت سکرآوری ندارد و به عنوان ضد عفونی کننده، حلال و ثابت ساز مواد و نمونه های آزمایشگاهی در پزشکی نوین نقش بسزایی دارد. امروزه الکل در ساخت داروها، حلال های دارویی، ضد عفونی نمودن پوست و تجهیزات پزشکی، شناسایی بافت های سرطانی، ساخت رنگ ها و فرآوری اودکلن ها نقش بنیادی دارد و از سویی، به طور طبیعی نیز الکل به اندازه ناچیز در برخی مواد غذایی وجود دارد و گاهی در ساخت یک فرآورده اندکی الکل استفاده می شود و یا اینکه در ساخت برخی از شربت های دارویی نیاز به کاربرد مقداری الکل هستیم و همواره این پرسش مطرح بوده است که فرمان شرعی کاربرد این مواد خوراکی و نوشیدنی چیست؟ در این مقاله به اختصار به بررسی موضوع، از جنبه فقهی می پردازیم و با فتاوی برخی از مراجع معاصر در این باره آشنا می گردیم (۱).

کاربرد داروهای دارای الکل

پرسش: این جانب اقدام به ساخت «افشانه اتروپین سولفات» کرده ام که الکل نقش بنیادی در ترکیب فرمول دارویی آن دارد، به طوری که اگر الکل به ترکیب یاد شده افزوده نشود، ساخت آن افشانه ممکن نیست و از جهت عملی هم این افشانه ضد گازهای شیمیایی و جنگی اعصاب است که برای محافظت از نیروهای اسلام در برابر آن ها کاربرد دارد. آیا از دید شما، کاربرد الکل به ترتیب یاد شده در فرآوری داروسازی، شرعاً جایز است؟

آیت الله خامنه ای علیه السلام: اگر الکل مست کننده ای باشد که در اصل مایع است، حرام و بنا بر احتیاط نجس است؛ ولی کاربرد آن به عنوان دارو در هیچ یک از حالات ایراد ندارد (۲).

پرسش: امروزه از الکل که در واقع مستی آور است برای ساخت بسیاری از داروها به خصوص داروهای نوشیدنی، عطرها، بهویژه

نشود اشکال ندارد، در غیر این صورت حرام است؛ هرچند پس از فرآوری الکل را از آن جدا کنند (۳).

پرسش: آبجویی را که روی بطری آن نوشته شده «خالی از الکل است» می‌توان خورد؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: خوردن آبجو که موجب مستی، هرچند خفیف شود حلال نیست؛ ولی اگر ماء‌الشعیر باشد که مستی آور نیست، اشکال ندارد (۳).

پرسش: ماء‌الشعیر که دارای الکل پنج تا هشت درصد است چه حکمی دارد؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: الکل به صورت کم در بسیاری از مواد غذایی ممکن است موجود باشد؛ ولی تا هنگامی که به طور طبیعی مست‌کننده نباشد و یا زیان آن اثبات نگردد حکم تحریم بر آن جاری نمی‌شود (۳).

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: ممکن است به طور طبیعی مقدار کمی الکل در برخی مواد غذایی باشد که اگر مست‌کننده نباشد خوردن آن اشکالی ندارد؛ ولی اگر الکل مست‌کننده را به غذایی اضافه کرده باشند، خوردن آن جایز نیست (۴).

پرسش: حکم نوشیدن آبجوهای که گویا درصد کمی هم الکل دارند و پزشک نیز آن را برای بیماری‌های کلیه و دفع سنگ کلیه تجویز می‌نماید چیست؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: اگر آشامیدن آن‌ها به مقدار بسیار، موجب مستی حتی در حد خیلی خفیف شود، خوردن آن‌ها مطلقاً حرام است (۳).

پرسش: آشامیدن نوشیدنی‌هایی که به نام ماء‌الشعیر وجود دارد، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: ماء‌الشعیر پزشکی پاک است و خوردن آن اشکال ندارد و با آبجو (فقاغ) که حرام است فرق دارد (۳). پرسش: درباره خمر و مستی (آن چیز که عقل را ضایع کند) حکم مستقل و روشن تحریم در قرآن آمده و قابل قبول است؛ ولی درباره این که الکل وارد بدن شود، تحریمی نداریم؛ برای نمونه: ماء‌الشعیرهایی که در یک لیتر پنج تا هشت درصد الکل دارند به هیچ وجه مسکر نبوده و عقل را ضایع نمی‌کند و در انسان بی‌تعادلی و تغییر حالت ایجاد نمی‌کند. آیا کاربرد این گونه نوشیدنی که حکم خمر از آن دریافت نمی‌شود نیز حرام است؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: الکل به طور کم در بسیاری از مواد غذایی ممکن است موجود باشد؛ ولی تا هنگامی که به طور طبیعی مست‌کننده نباشد و یا زیان آن اثبات نگردد، حکم تحریم بر آن روا نمی‌شود و اثبات این موضوع بر دوش کارشناسان غذایی است (۴).

پرسش: نظر به اینکه بیشتر ماء‌الشعیرهای وارداتی در کارخانه‌هایی

فرآوری می‌شوند که در همان خط تولید، گونه‌های نوشیدنی های الکلی و مسکر نیز فرآوری می‌شود، آیا کاربرد این گونه ماء‌الشعیرها از لحاظ شرعی ایراد دارد؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: در صورتی که یقین به تماس ماء‌الشعیر با موضع نجس داشته باشید، استعمال آن جایز نیست (۴).

پرسش: حکم ماء‌الشعیر بدون الکل که در خارج فرآوری می‌شود و اغلب با مقدار بسیار ناچیزی از الکل مثلاً ده درصد تهیه شده و مستی آور نبودن آن روشن است چیست؟ اگر اندازه الکل از این هم کمتر باشد چه؟ نیاز به یادآوری است که الکل موجود در این گونه آبجو، از بیرون به آن تزریق نشده است؛ ولی هنگام فرایند تخمیر خودبه‌خود ساخته می‌شود و پس از آن تحت فشار از آن خارج شده و درصد ناچیزی که گفته شد در آن باقی می‌ماند. آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: ماء‌الشعیر گفته شده پاک و حلال است (۴).

پرسش: من در فرانسه زندگی می‌کنم. سرکه‌های اینجا تا پنج درصد الکل دارد. آیا خوردن آن‌ها مجاز است؟ (شنیده‌ام تا شش درصد الکل اشکالی ندارد)

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: در صورتی که سبب مستی (هرچند مستی خفیف) نشود اشکالی ندارد (۴).

احکام کاربرد برخی مواد غذایی دارای الکل پرسش: آیا هنگام خرید مواد غذایی، نیاز به تحقیق است که فروشنده یا سازنده غیرمسلمان کالا، آن‌ها را لمس کرده و یا در ساخت آن‌ها الکل بکار برده است یا خیر؟

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله: پرسش و تحقیق لازم نیست (۳).

پرسش: اگر خمر و یا الکل به وسیله‌ی علاجی تبدیل به سرکه شود، آیا آن سرکه پاک و حلال است یا نه؟

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله: معیار، تحقق تبدیل به سرکه است، خواه خودبه‌خود تبدیل شود یا با علاج شیمیایی و مانند آن، همین که حقیقت سرکه تحقق پیدا کند، پاک و حلال است (۲).

پرسش: شیرینی‌هایی که در پختن آن‌ها از مشروبات الکلی استفاده می‌شود آیا حکم استحاله در مورد آن صدق می‌کند یا خیر؟ درباره غذاهای سرخ‌کردنی که هنگام سرخ شدن به آن مشروب می‌زنند چگونه؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: استفاده از شیرینی و غذای یادشده جایز نیست (۳).

پرسش: در برخی از مواد غذایی مانند شیرینی، مقدار کمی الکل بکار رفته است که نقش فرآوری دارد و مستی آور نیست، آیا می‌توان از این مواد غذایی استفاده کرد؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: اگر درصد الکل آن ناچیز باشد (دو درصد یا کمتر) اشکال ندارد (۳).

پرسش: روی شیشه خیار شور که از فروشگاه تهیه می‌کنیم،



نوشته که از سرکه الکل تهیه شده است، آیا می‌توانیم از این
خیارشور استفاده کنیم یا خیر؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: اشکال ندارد (۳).

پرسش: حکم سرکه‌ای که از شراب تهیه شده چیست؟ حکم
سایر سرکه‌ها چیست؟ با توجه به اجتناب اهل سنت، با عنوان
اینکه درصد الکل آن بالاست؟

آیت‌الله سیستانی رحمته‌الله: استفاده از سرکه اشکال ندارد (۳).

پرسش: آیا کاربرد مواد قندی که دارای ماده sugar alcohol
یا شکر الکل هستند با توجه به اینکه در بازار فراوانند، جایز
است یا خیر؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: در صورتی که ماده مست‌کننده‌ای نباشد
اشکالی ندارد (۴).

پرسش: کاربرد غذاها یا مایعاتی که به‌طور طبیعی اندازه بسیار
کمی از آن را الکل تشکیل می‌دهد؛ مانند سرکه و یا آبجو بدون
الکل، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: هرگاه صدق مشروبات الکلی بر آن نکند
اشکالی ندارد (۴).

پرسش: در برخی از مواد غذایی مانند شیرینی، مقدار کمی
الکل به‌کاررفته که نقش فرآوری دارد و سُکر آور [مست‌کننده]
نیست، آیا می‌توان از این مواد غذایی استفاده کرد؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: جایز است (۴).

پرسش: شیرینی‌هایی که در پختن آن‌ها از مشروبات الکلی
استفاده می‌شود آیا حکم استحاله در آن مورد صدق می‌کند یا
خیر؟ و در مورد غذاهای سرخ‌کردنی که هنگام سرخ شدن به
آن مشروب می‌زنند چگونه؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: استفاده از شیرینی و غذای یادشده جایز
نیست (۴).

احکام خوردن شکلات دارای الکل

پرسش: حکم خوردن شکلات دارای الکل، ساخت کمپانی
بیگانه که گونه و میزان الکل آن روشن نیست چه است؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: جایز نیست (۴).

احکام نوشیدن دوغ کفیر

پرسش: ماده‌ای است به نام «کفیر» که در صنایع غذایی و
داروسازی کاربرد دارد. هنگام تخمیر، پنج یا هشت درصد الکل
در ماده به‌دست‌آمده، به وجود می‌آید. این اندازه از الکل هیچ
گونه مستی در مصرف‌کننده ایجاد نمی‌کند. آیا از نگاه شرع،
کاربرد این ماده مانعی دارد یا خیر؟

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله: اگر الکل موجود در ماده به‌دست‌آمده
فی‌نفسه مست‌کننده باشد، بنا بر احتیاط نجس و حرام است؛
هرچند به علت کمی آن و مخلوط شدن با ماده به‌دست‌آمده،

نسبت به مصرف‌کننده مسکر نباشد؛ ولی اگر شک داشته
باشیم که فی‌نفسه مست‌کننده و یا در اصل مایع است، حکم
متفاوت می‌شود (۲).

پرسش: با توجه به دوگانگی ایجادشده درباره وجود الکل در
دوغ کفیر و همچنین فراگیر شدن استفاده از آن و حتی
پرورش قارچ آن در محیط منزل، به‌خصوص از سوی متدینین
و ناتوانی مکلفین در شناسایی وجود الکل در آن، از شما
درخواست داریم حکم پایانی حلیت و یا حرمت آن را بیان
نمایید؟

آیت‌الله مکارم رحمته‌الله: هرگاه این فرآورده لبنی موجب سکر یا
همان مستی (هرچند به‌صورت خفیف) نشود خوردن آن
اشکالی ندارد (۴).

کاربرد نوشابه‌های گازدار

پرسش: نوشابه‌های موجود در بازار که برخی از آن‌ها مانند
کوکاکولا و پپسی کولا و... در داخل ساخته می‌شوند و گفته
می‌شود که مواد اصلی آن‌ها از خارج وارد می‌گردد و احتمال
دارد از الکل در آن‌ها استفاده شده باشد، چه حکمی دارد؟

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله: پاک و حلال است، مگر این‌که مکلف،
خود یقین حاصل کند که آن‌ها با الکل مست‌کننده‌ای مخلوط‌اند
که در اصل مایع است (۲).

منابع:

- ۱- آذربادگان، حسین‌علی. مقاله بررسی علمی و فقهی الکل و فرآورده‌های
آن، مجله فقه و اصول فقه، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
- ۲- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>
- ۳- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی سیستانی www.sistani.org
- ۴- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: www.ma-karem.ir

سقوط به دنبال افشای راز!

محسن رضایی آدریانی

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم

پزشکی قم

mrezaie@muq.ac.ir

قال الصادق علیه السلام

«إِفْشَاءُ السِّرِّ سُقُوطٌ»^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «فاش کردن راز،

مایه سقوط است»

سلامت (بهداشت، درمان)، آگاهانه و بانگیزه مجرمانه، اسرار بیماران را فاش کند؛ ولی باید توجه نمود که بی‌دقتی کارکنان سلامت، به‌راحتی می‌تواند موجب فاش شدن اسرار بیماران شود. پیامد آن بی‌دقتی و این افشاء، سقوط نظام سلامت از جایگاه خود و از دست دادن اعتبار است!

پرستار نوبت صبح، درگیر واگذاری بیماران اورژانس به همکار نوبت عصر و شب است: «این آقای چنگیزی هم ۲۵ ساله است. ساعت ۱۲ با ۱۱۵ اومده. سقوط موتورسیکلت بوده، مسمومیت الکل داشته و ... ناگهان مردی که کنار بیمار ایستاده با داد و فریاد با بیمار درگیر می‌شود: «چونم مرگ شده (جوون مرگ شده)! الهی عزات رو بگیرم، چرا با آبروی من بازی می‌کنی؟! ...» بعد از آنکه شرایط اورژانس آرام می‌شود، اکنون نوبت خود بیمار است که طلبکارانه از همکاران پرستاری گله‌مند شود که چرا این وضعیت را به وجود آوردید؟! این همان سقوطی است که برآمده از این افشای راز است. با رعایت رازداری، بنای حرفه مقدس سلامت را سرپا نگاه داریم.

منابع:

۱. تحف العقول، ص ۳۱۵

Imam al-Sadiq (AS) said, 'Divulging a secret is a breakdown [of trust].'

با رعایت رازداری، بنای حرفه مقدس سلامت را سرپا نگاه داریم.

خوانندگان ارجمند نشریه به یاد دارند که گفته‌شده بود، طبق یک سنت نیکو، هر جلسه‌ای از کلاس اخلاق سلامت (اخلاق حرفه‌ای) با یک حدیث شریف یا آیه کریمه آغاز شود و این آیات و روایات با موضوع و میحث کلاس مرتبط باشد.

از شش شماره پیش، میحث «امانت‌داری» با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات شریفه، مطرح شد. در شماره‌های پیشین، با استناد به آیه‌ای از سوره یوسف و روایات شریفه، موضوع رازداری بحث شد. اینک به یکی دیگر از فرمایشات گهربار اهل بیت علیهم السلام (در رابطه با این موضوع مهم) اشاره می‌شود.

در میان احادیث گهربار رسیده از معصومین علیهم السلام، این حدیث هم از آن دسته احادیثی است که ارتباط زیادی با حوزه سلامت دارد. اگر کارکرد ما در مراکز ارائه خدمات سلامت، همسو با قاعده «رازداری» و «رازپوشی» نباشد؛ این کارکرد ناصحیح، موجب سقوط خود و دیگران خواهد شد.

پیش‌تر هم گفته‌شده است که پایه و بنیاد ارتباط کارکنان سلامت (بهبور، بهداشت‌کار دهان و دندان، پزشک، پرستار، کاردان بهداشت خانواده و ...) با گیرنده خدمت سلامت (مراجع‌کننده، بیمار، خانواده او، همراهان) «اعتماد» است. اعتماد، سنگ بنای ارتباط تیم سلامت و مردم است. اگر این اعتماد زایل شود، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود!

بسیار دور از ذهن و نادر است که کسی در مراکز ارائه خدمات

تحلیل اخلاقی حقوقه موارد

«بی‌مبالاتی»

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم

پزشکی قم

a.mashkooori@gmail.com

معرفی مورد:

بیمار (آقای ه. ی) با نشانه‌های شکم حاد جراحی به اورژانس بیمارستانی مراجعه می‌کند. پس از گذشت مدت زمان طولانی و تشکیل پرونده و نمونه‌گیری و... به اتاق عمل منتقل می‌شود و به دست جراح جوانی که دوره تعهد خدمت خود را می‌گذراند، جراحی شکم انجام می‌شود. با تشخیص «ترومبوز وریدی روده کوچک» درمان دارویی بیمار در بخش ادامه می‌یابد؛ ولی چند روز بعد، بیمار دچار درد شدید شکم می‌شود و مایع زردی در درن بیمار مشاهده می‌شود. بی‌درنگ با جراح کشیک (آنکال) بیمارستان صحبت می‌کنند. جراح کشیک پس از شنیدن شرح حال بیمار می‌گوید: این بیمار پزشک الف است؟ من به بیمار پزشک الف دست نمی‌زنم! عملش نمی‌کنم! همراهم بیمار موفق می‌شوند جراح دیگری را متقاعد کنند که بیمار را در بیمارستان دیگری جراحی کند. بیمار را با رضایت شخصی و حال عمومی بد از بیمارستان خارج کرده، به بیمارستان دیگری منتقل می‌کنند. جراح دوم شکم بیمار را باز می‌کند و با پارگی روده کوچک روبرو می‌شود.

تحلیل مورد:

در این مورد، جراح کشیک (آنکال) با دانش به اینکه جراحی نکردن بیمار می‌تواند خطرناک باشد از جراحی بیمار اورژانسی خودداری می‌کند. از دید اخلاق پزشکی این کار جراح، مصداق آشکار نقض قاعده «سودرسانی» و «زیان نرساندن» است. از دیدگاه حقوقی نیز مشمول عنوان کلی «بی‌مبالاتی» است. در علم حقوق، بی‌مبالاتی چنین تعریف شده است:

«بی‌مبالاتی عبارت است از اینکه فاعل عمل، پیش‌بینی ورود زیان را از سوی عمل خود به غیر می‌کند؛ ولی باین وجود، لایقیدی به خرج می‌دهد و احتیاط نمی‌کند؛ مانند راننده‌ای که با وجود ناقص بودن خودرو، به احتمال اینکه ان‌شاءالله طوری نخواهد شد به حمل مسافر یا کالا مبادرت کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶)؛ بنابراین به زبان ساده، بی‌مبالاتی ترک یک فعل یا اقدام ضروری است. از سوی دیگر، قانون مجازات خودداری از یاری به آسیب‌دیدگان و رفع مخاطرات جانی نیز، دربرگیرنده این بی‌مبالاتی می‌شود. بند دوم این قانون بدین شرح است: «هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون، مکلفند به اشخاص آسیب‌دیده یا اشخاصی که دستخوش زیان جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آن‌ها خودداری کنند، به حبس جنجای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد». جالب آنکه این قانون صرف خودداری از کمک را صرف‌نظر از پیامد آن، جرم دانسته است.

قانون‌گذار آن‌قدر به بحث حفظ حیات انسان ارج نهاده که حتی رضایت بیمار را برای حفظ حیات وی لازم ندانسته است و در بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی آورده است: «در موارد فوری، دریافت رضایت ضروری نیست»؛ ولی متأسفانه جراح کشیک به تمام موارد فوق بی‌توجهی نموده و بیمار را معرض خطر مرگ قرار داده است.

علیت در پزشکی ۴

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

ایجاد بیماری در تمام افراد نمی‌شود پس وجودش کافی نیست. در گونه سوم، عامل بیماری‌زا به‌تنهایی توانایی ایجاد بیماری را دارد؛ ولی این بیماری می‌تواند به‌وسیله عوامل دیگری نیز ایجاد شود؛ به‌عنوان مثال رویارویی با تشعشعات رادیواکتیو و یا بنزن هرکدام می‌توانند به‌تنهایی بدون حضور عامل دیگری باعث ایجاد لوسمی شوند؛ با این وجود در چنین وضعیتی، همه‌کسانی که در مواجهه با تشعشعات و یا بنزن قرار می‌گیرند، دچار لوسمی نمی‌شوند؛ بنابراین اگرچه وجود هر دو عامل برای ایجاد بیماری ضروری نیست، ولی این عوامل احتمالاً برای ایجاد بیماری به عوامل کمکی نیز نیاز دارند؛ از این رو معیار «کافی بودن» به‌ندرت به یک عامل منفرد اطلاق می‌شود.

در گونه چهارم و پایانی، وجود یک عامل به‌تنهایی برای ایجاد بیماری نه کافی است و نه لازم. این الگوی رابطه علیتی بسیار پیچیده بوده و شاید دربارهٔ بسیاری از بیماری‌های مزمن کاربرد دارد. در شماره آینده این بحث پیگیری خواهد شد.

منبع:

لئون گوردیس. اپیدمیولوژی (۱۳۸۵). ترجمه و تنظیم حسین صباغیان، کورش هولاکویی. رشت: انتشارات گپ.

در شمارهٔ پیشین، بحث پیرامون مفهوم علیت در پزشکی را آغاز نمودیم. در این شماره به گونه‌های روابط علیتی پرداخته می‌شود. در آغاز باید گفت که یک رابطه علیتی می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. در یک رابطه علیتی مستقیم، عامل بیماری به‌طور مستقیم و بدون واسطه، باعث ایجاد بیماری می‌شود. در رابطه علیتی غیرمستقیم نیز یک عامل در ایجاد بیماری نقش دارد؛ ولی این عمل از راه یک واسطه صورت می‌گیرد و این واسطه برای ایجاد بیماری ضروری است. رابطه علیتی ممکن است به چهار روش گوناگون عمل نماید: ۱. لازم و کافی است ۲. لازم است ولی کافی نیست ۳. لازم نیست ولی کافی است ۴. نه لازم است و نه کافی است. در ادامه به‌طور مختصر به این موارد پرداخته می‌شود.

در گونه نخست، همان‌طور که از نامش برمی‌آید، وجود یک عامل برای ایجاد بیماری هم لازم، هم کافی است و بدون وجود آن بیماری هرگز ایجاد نمی‌شود. این حالت، حتی در صورت یکسان بودن مقدار و حجم مواجهه به دلیل تفاوت‌های فردی، همچون حساسیت ژنتیک، به‌ندرت پیش می‌آید؛ به‌عنوان مثال در بیشتر بیماری‌های عفونی، شماری از افراد در رویارویی با عامل عفونت، دچار آن شده و عده‌ای دچار نمی‌شوند.

در گونه دوم، عامل بیماری برای ایجاد آن ضروری بوده، ولی به تنهایی قادر به پدید آوردن بیماری نیست. در این حالت، وجود چند عامل (بیشتر با یک نظم زمانی) برای ایجاد بیماری ضروری است؛ به‌عنوان نمونه، مواد سرطان‌زا در طول زمان و مراحل گوناگون (شامل ایجاد بیماری و پیشرفت آن) بیماری را ایجاد می‌کنند. برای تظاهرات بالینی سرطان، در کنار عامل سرطان‌زا، به‌عنوان آغازکننده بیماری، عامل رشد دهنده نیز باید وارد عمل شود و هیچ‌یک از این دو عامل به‌تنهایی توانایی ایجاد سرطان را ندارند؛ مثال روشن‌تر آن در مورد بیماری سل است که وجود باسیل برای ایجاد آن لازم است؛ ولی چون باعث

رابطه علیتی از گونه نه لازم و نه کافی، بسیار پیچیده بوده و چه‌بسا دربارهٔ بسیاری از بیماری‌های مزمن کاربرد دارد.

سلامت معنوی در سایه معماری ایرانی - اسلامی

دکتر خشایار قاضی زاده^۱

سید ماجد موسوی شفیعی^{۲*}

۱. دانشگاه شاهد

۲. دانشگاه علوم پزشکی قم

Smajedmoosavi@gmail.com

بنا نهاد. باین حال، آثار معماری ایرانی - اسلامی با هر شکل و کارکردی که باشند بر اصولی واحد استوارند.

پرهیز از بیهودگی، از جمله اصولی است که در مبانی اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به نحوی که به تعبیر قرآن کریم، مؤمنان کسانی هستند که از بیهودگی روی می گردانند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون: ۳). از بارزترین ویژگی‌های معماری که با اصل پرهیز از بیهودگی در ارتباطاند، می‌توان به میانه‌روی در تزیینات و برپایی فضاهای چند عملکردی اشاره کرد که در این مقاله به بررسی آن‌ها از دیدگاه مبانی اسلامی پرداخته می‌شود و بر این اساس، معمار مسلمان همواره در کوشش برای پرهیز از انجام کار بیهوده در ساختمان سازی و جلوگیری از تباه کردن منابع بوده است. مطابق با این اصل، تمام اجزایی که در معماری به کار برده می‌شد، دارای کارکرد بود تا اندازه‌ای که این موضوع حتی در ارتباط با نوع و میزان تزییناتی که در داخل بنا به کار برده می‌شد نیز نمود داشته است.

الف- میانه‌روی در تزیینات

واژه تزیین و مشتقات آن در قرآن ۴۶ بار تکرار شده که افزون بر بار معنایی مثبت، در مواردی نیز بار معنایی منفی داشته است، به نحوی که از آن با عنوان ابزاری برای شیطان یاد شده است (علوی نژاد، ۱۳۸۹). از این موضوع چنین برداشت می‌شود که از دیدگاه قرآن، تزیینات در وجه مثبت خود به عنوان ابزاری برای پوشاندن عیوب کاربرد داشته و در وجه منفی آن تحت عنوان تجملات مطرح شده و انگیزه‌ای برای وابستگی به دنیا و دور ماندن از حقیقت قلمداد می‌شود. دوری از اسراف و همچنین پرهیز از انجام کار بیهوده در تفکر معمار مسلمان همواره نقش داشته است و این موضوع در به‌کارگیری عنصر تزیینات در معماری، وی را ناگزیر به استفاده درست و کاربردی از آن در کنار بعد زیبا شناسانه می‌نمود؛ به‌عنوان مثال ساخت کاربندی در زیرپوشش آسمانه، افزون بر تزیین فضای داخلی، انگیزه‌ای برای پوشش ظاهر

سلامت معنوی به برخورداری از حس پذیرش، احساس مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل با یک قدرت حاکم و برتر قدسی اطلاق می‌شود که ره‌آورد فرآیندی پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدهای شخصی است؛ همچنین از مؤلفه‌های بنیادین سلامت معنوی می‌توان به شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش‌های معنوی و ثمرات معنوی اشاره کرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱).

هنر به‌صورت عام، ابزاری برای انتقال اندیشه‌ها و ارزش‌های مورد تأیید هر تمدن است. با بررسی آثار هنری، از جمله معماری هر سرزمین، می‌توان به مبانی اعتقادی و ارزش‌های حاکم بر آن پی برد. آثار معماری ایرانی - اسلامی افزون بر انتقال ارزش‌های ایرانی - اسلامی در سلامت روحی و معنوی انسان‌ها نقش مؤثری داشته است؛ به‌عنوان نمونه در مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، با نورپردازی دلپذیر و شایسته و پیوند آن با دیگر عناصر محیطی، فضایی را برپا کرده‌اند که سزاوار تأمل و اندیشه است؛ در واقع نور استفاده‌شده در این محیط، دعوت‌کنندگی زیادی برای تأمل ایجاد می‌کند که با دیدگاه دعوت‌کنندگی محیط - که یکی از نظریات پایه در علوم رفتاری و روانشناسی محیط است - و همچنین با ارزش‌های اسلامی، همچون تفکر در آفرینش، همخوانی دارد و شخص با حضور خود در مسجد شیخ لطف‌الله، احساس مثبت و ارتباط با یک قدرت برتر قدسی را تجربه می‌کند.

اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و اندیشه‌های این مرزوبوم دارد. معماری ایران پس از اسلام از حیث طراحی، دارای ظرافت و دقت بی‌نظیری است که در این میان، اصول و جهان‌بینی اسلامی تأثیرات آشکاری در هویت و شکل‌دهی به آن داشته است. با ورود اسلام به مرزهای ایران، جهان‌بینی معمار سنتی تحت تأثیر این شیوه تفکر قرار گرفت. این تأثیر هم از بعد نظری و هم در حوزه آثار، معماری ایرانی را تحت‌الشعاع خود قرار داد و روش نوینی در معماری ایرانی، تحت عنوان معماری اسلامی

معماری نمودارشدن اخلاق فردی و حرفه‌ای معمار است. معمار مسلمان با روح و تفکر زیبایی خود اثری خلق می‌کند که از آن زیبایی کسب می‌شود؛ به عبارتی باورهای معمار مسلمان در اثر هنری‌اش کارساز بوده، اثر ارزشمندش نیز بر اخلاق مردم تأثیر می‌گذارد.

انسان بسیار عمیق و کارآمد است. معماری نمودارشدن اخلاق فردی و حرفه‌ای معمار است. معمار مسلمان با روح و تفکر زیبایی خود اثری خلق می‌کند که از آن زیبایی کسب می‌شود؛ به عبارتی باورهای معمار مسلمان در اثر هنری‌اش کارساز بوده، اثر ارزشمندش نیز بر اخلاق مردم تأثیر می‌گذارد.

معماری ایرانی - اسلامی پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، از جمله توجه به سبک زندگی، فضاهای خصوصی، شرایط محیطی، اجتماعی و فرهنگی، سلامت معنوی و تأثیرات روان‌شناختی و زیست‌محیطی است. معمار مسلمان با توجه به ویژگی‌هایی، از جمله استفاده از تزئیناتی که زیبایی باطنی دارند و پرهیز از ساخت فضاهای غیرضروری و همچنین استفاده نکردن از تزئین برای تظاهر که از آموزه‌های اسلامی دریافت کرده است در ساخت خانه‌ای دل‌باز، به‌عنوان مکانی برای زندگی انسان، سعی بر آن داشت که جای‌جای آن نشانه‌هایی از تفکر توحیدی را نمایان سازد و انسان را در رسیدن به قرب الهی همراهی نماید. با توجه به مطالب یادشده، می‌توان نتیجه گرفت که معماری ایرانی - اسلامی ارتباط تنگاتنگی با آرامش و سلامت معنوی انسان دارد.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: انتشارات سروش دانش.
۳. عباسی، محمود و همکاران (۱۳۹۱). تعریف مفهومی و عملیاتی‌سازی سلامت معنوی. یک مطالعه روش‌شناختی. فصلنامه اخلاق پزشکی. سال ششم، شماره بیستم، ص ۴۴-۱۱.
۴. علوی نژاد، سعید محسن؛ نادعلیان، احمد؛ کفشچیان مقدم، اصغر و شیرازی، علی‌اصغر (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح تزئینات در معماری و دیوارنگاری در منابع هنر اسلامی. فصلنامه نگره، شماره ۱۵.

نازیبای سقف سازه‌ای و همچنین ابزاری برای دو پوش کردن سقف در جهت عایق‌سازی آن به شمار می‌رفته است (پیرنیا، ۱۳۸۳). کاربرد بجا و بایسته از عوامل زیبایی‌ساز و تزئینات در خانه، موضوعی است که همواره مورد توجه معماران و سازندگان بناها قرار داشته است؛ به‌عنوان مثال برخی از فضاها در خانه‌نیز به تزئینات زیاد نداشت که از آن جمله می‌توان به بخش‌های زیادی از اتاق‌های سه‌دوری در فضای اندرونی خانه اشاره کرد. این در حالی است که با توجه به ارزش بسیار بالای مهمان در فرهنگ مسلمانان و برای اینکه مهمان در یک فضای آرام و دلپذیر قرار بگیرد، تزئین اتاق پذیرایی در حدی که سبب تظاهر نشود، از موارد قابل توجه به شمار می‌رفته است. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که دین اسلام، استفاده از تزئینات را تا اندازه‌ای که انسان را گمراه نکند، سودمند و در مواردی که ضرورتی احساس نمی‌شود امری بیهوده قلمداد کرده است؛ از این رو معمار مسلمان نیز با اتکا بر این مفاهیم، به اعتدال در تزئینات، به‌عنوان یک راهبرد در ذیل اصل پرهیز از بیهودگی توجه می‌کند.

ب- ایجاد فضاهای چند عملکردی

از جمله ویژگی‌های خانه‌های سنتی، ساخت فضاهایی با عملکردهای چندگانه در سازمان فضایی آن‌ها بوده است. این خانه‌ها عموماً به‌گونه‌ای ساخته می‌شدند که قابلیت سکونت چند خانوار را در کنار یکدیگر داشته باشند و در ساخت فضاها به‌گونه‌ای عمل می‌شد که قابلیت استفاده برای افراد خانواده در زمان‌های گوناگون و به‌منظور انجام انواع فعالیت‌ها را دارا باشند. این موضوع باعث صرفه‌جویی در وسعت و زیربنای ساختمان می‌شده است. این ویژگی در معماری، با اصل پرهیز از ساخت بیش از نیاز خانواده و پیشگیری از اسراف در ساخت خانه انطباق دارد؛ از این روی چنین به نظر می‌رسد که انعطاف‌پذیر کردن فضاها و قابلیت استفاده از آن در زمان‌های گوناگون و در جهت رفع نیازهای مختلف خانواده، از جمله راهکارهای عملی در دستیابی به اصل پرهیز از بیهودگی است که در معماری سنتی به‌وضوح مورد تأکید معماران و سازندگان قرار داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

معماری ایرانی - اسلامی تجلی‌بخش سنت اسلامی است و دارای اصول و قواعد خاص است که ابعاد معنوی و مادی معماری را مورد توجه قرار داده است. پرهیز از بیهودگی یکی از اصول معماری ایرانی - اسلامی است که در قالب راهکارهایی، همچون میانه‌روی در تزئینات و ساخت فضاهای چند کارکردی به دست معماران مسلمان به اجرا درآمده است. معماری ظرف زندگی است و تحولات و اثرات آن در زندگی

مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن

استکانت، خشیت، شکر، صبر؛ و مفاهیم منفی شامل فسق، فجور، بدگمانی به خدا، بی‌توجهی به بازخواست الهی و ربا می‌شوند که نویسنده به بیان آن‌ها پرداخته است. ایشان در فصل دوم از بخش سوم، به مفاهیم مثبت و منفی ارتباط انسان با انسان دیگر پرداخته است؛ مفاهیمی چون: انفاق، ایثار، صلح و رحمت، وفا، بر، احسان و عدل، تواضع، نفاق، حسد، بدگمانی به دیگران، غیبت، تنگ‌چشمی، دروغ و خودبزرگ‌بینی را مورد بررسی قرار داده است. ایشان در ارتباط انسان با خودش مفاهیمی همچون: تفکر، میانه‌روی، غفلت، خودستایی و نادیده گرفتن حق را مطرح می‌کند. فصل پایانی کتاب به مفاهیمی در ارتباط انسان با طبیعت اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل، به بیان مفاهیمی مانند کاربرد بهینه از طبیعت و پاکیزگی و اسراف پرداخته و با به‌کارگیری آیات قرآن، مطالبی را در این زمینه‌ها ارائه کرده است.

کتاب «مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن» نوشته محمدحسین فهیم‌نیا، توسط انتشارات «بوستان کتاب قم» در سال ۱۳۸۹ در ۴۲۰ صفحه منتشر شده است. قرآن، اهتمام ویژه‌ای به اخلاق و اصلاح سلوک آدمیان دارد. در این کتاب عظیم، فلسفه بعثت پیامبران، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ذکر شده است. هر کس با نگاه نخستین به قرآن، نقش اخلاق را در آن برجسته می‌یابد.

این کتاب دربرگیرنده سه بخش است: بخش نخست دارای دو فصل است که در فصل اول، مفاهیم و کلیات اخلاق (تعریف و تبیین واژه‌های اخلاق، آداب، سیر و سلوک، عرفان و روانشناسی تربیتی) و در فصل دوم به اخلاق فضیلت‌مدار ارسطو (اخلاق از دیدگاه ارسطو و ملاک و معیار او از سعادت) پرداخته است. نویسنده در میان دیدگاه‌های خود، نشانه‌ها و ویژگی‌های فضایل و رذایل را یک‌به‌یک برشمرده و از نیروهای عقل، غضب، شهویه و وهمیه با عناوین قوای چهارگانه روح یاد می‌کند. آزادی و اختیار در نظام اخلاقی اسلام، حقیقت توبه و مراحل بازگشت در توبه، شناخت حسن و قبح عقلی افعال و جایگاه آن در اخلاق عملی مباحث دیگر کتاب است.

در بخش دوم به مبانی قرآنی اخلاق (اعتقاد و عمل، مراتب ایمان و عمل، توجه به آخرت و ارزش‌هایی چون تقوا، انفاق، صبر و صلح‌رحم) اشاره شده است و اخلاق قرآنی نیز، بر پایه‌هایی مانند تصحیح اعتقادات یا مباحث سازنده و کارآمد معاد یا بر پایه پذیرش چند اصل قرآنی دیگر مانند اختیار انسان، اصالت روح، حسن و قبح عقلی استوار است.

در بخش سوم، نویسنده روابط انسان با خدا، مردم، خویشان و طبیعت را بررسی کرده است. هریک از این ارتباطات یا مثبت هستند یا منفی (این بخش به بازگفت هشت گونه رابطه می‌پردازد). بیشتر مفاهیم و واژه‌های شناخته‌شده اخلاقی بر پایه همین دسته‌بندی و با تکیه بر آیات قرآن ارزیابی و بررسی شده‌اند. بخش نخست، به مفاهیم وابسته به رابطه بنده با خداوند اختصاص یافته است؛ مفاهیمی که در اخلاق قرآنی، رابطه انسان با خدا را آشکار می‌کند دو بخش است: مفاهیم مثبت و ارزشی شامل اخلاص، اخبات، تقوا، توکل، خوف‌ورجا، خشوع، تضرع،



زلزل سلامت

آنچه خدا خواست، همان می‌شود

دوش که غم پرده ما می‌درید
خار غم اندر دل ما می‌خلید

در بر استاد خردپیشام
طرح نمودم غم و اندیشه‌ام

کاو به کف، آینه تدبیر داشت
بخت جوان و خرد پیر داشت

پیر خردپیشه و نورانی‌ام
برد ز دل زنگ پریشانی‌ام

گفت که «در زندگی آزادباش!»
هان! گذران است جهان شادباش!

رو به خودت نسبت هستی مده!
دل به چنین مستی و پستی مده!

زان چه نداری ز چه افسرده‌ای
وزغم و اندوه دل‌آزرده‌ای!؟

گر ببرد و بدهد دست دوست
ور ببرد و بنهد مُلک اوست

ور بکشی یا بکشی دیو غم
کج نشود دست قضا را قلم

آنچه خدا خواست، همان می‌شود
وان چه دلت خواست، نه آن می‌شود

علامه طباطبایی قدس سره



دانش

ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی
سال دوم، شماره ۱۶

۱۷

